

محمد رضا اکبری جور
اقتصاددان

الزامات بازسازی در اقتصاد ایران

اوراق گام و دیگر شیوه‌های تأمین مالی غیرتورمی، بی‌تردید از جمله ابزارهای مفید و ضروری برای اقتصاد ایران‌اند؛ ابزارهایی که اگر درست به کار گرفته شوند، می‌توانند بخشی از فشار مزمن وارد بر شبکه بانکی را کاهش دهند و مسیر تولید را هموارتر سازند.

زن‌چیره تأمین هر صنعت بر پیوند منظم حلقه‌هایی استوار است که هر کدام کالا یا خدمتی را به بخش بعدی می‌سپارند تا محصول نهایی شکل بگیرد. کامیابی این چرخه، پیش از هر چیز، به اعتماد وابسته است. هنگامی که بانک با ابزاری مانند اوراق گام در مقام تضمین‌کننده ظاهر می‌شود، اطمینان میان فعالان اقتصادی افزایش می‌یابد و مبادله، از سطح تردید به سطح همکاری می‌رسد.

با این همه، اجرای موفق چنین ابزارهایی در اقتصاد تورمی، ساده و بی‌هزینه نیست. رشد مستمر قیمت‌ها می‌تواند فاصله زمانی میان مبادلات حلقه‌های مختلف زن‌چیره تأمین را به مثابه اختلاف و بی‌تعادلی بدل کند. تولیدکننده‌ای که امروز تعهدی را می‌پذیرد، ممکن است چند ماه بعد با واقعیتی کاملاً متفاوت روبه‌رو شود. همین شکاف، کارکرد بسیاری از ابزارهای تأمین مالی زن‌چیره‌ای را محدود می‌کند. با وجود این، تردیدی نیست که تکیه بر اوراق گام و روش‌های مشابه، همچنان کارآمدتر از وابستگی کامل به تسهیلات بانکی است.

اقتصاد ایران سال‌هاست بانک‌محور شده و تقریباً در هر فایلی، بانک به بازبرگ اصلی بدل شده است؛ وضعیتی که هم ریسک تولیدکننده را افزایش می‌دهد و هم انعطاف اقتصاد را کاهش می‌دهد. مسئله امروز اما فقط تأمین مالی یک بنگاه یا حتی یک صنعت نیست. کشور در نقطه‌ای ایستاده که بیش از هر زمان دیگر به برنامه‌ریزی برای بازسازی نیاز دارد؛ بازسازی‌ای که صرفاً با تعمیر یک کارخانه یا جایگزینی چندتجهیز معنا پیدا نمی‌کند. ابزارهایی مانند اوراق گام، برات الکترونیک و روش‌های مشابه، عمدتاً برای حل مسائل خرد طراحی شده‌اند، حال آنکه ابعاد مسئله کنونی، نگاهی کلان می‌طلبد. اگر یک مجتمع پتروشیمی آسیب ببیند، فقط تأمین پول برای خرید تجهیزات کافی نیست؛ بندر، اسکله، جاده، پل، شبکه حمل‌ونقل، تأمین ارز و امکانات واردات نیز باید همزمان آماده باشد. هر اختلالی در این زیرساخت‌ها می‌تواند کل فرایند بازسازی را متوقف یا فرسایشی کند.

نکته مهم‌تر آن است که بازسازی نباید تنها به بازگرداندن وضعیت گذشته محدود بماند. بسیاری از صنایع کشور هنوز با فناوری‌های کهنه، مصرف انرژی بالا و بهره‌وری پایین کار می‌کنند.

چنین وضعی ایجاب می‌کند بازسازی به فرصتی برای نوسازی فناوری، ارتقای بهره‌وری، کاهش مصرف انرژی و بهبود استانداردهای زیست‌محیطی تبدیل شود. هر حلقه آسیب‌دیده در زن‌چیره تولید، می‌تواند کل مسیر را مختل کند و همین واقعیت نشان می‌دهد کشور به برنامه‌ای هوشمند، جامع و همزمان در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی، زیرساختی، لجستیکی و فناوریانه نیاز دارد؛ برنامه‌ای که بازسازی را نه یک واکنش مقطعی، بلکه یک افق ملی ببیند.

کمال ایباتی‌پور

روزنامه نگار

۶۶

فعالیت ۳۴ درصدی بنگاه‌ها در زمستان ۱۴۰۴ فقط یک عدد نیست؛ نشانه‌ای هشداردهنده از فرسایش تولید، تعویق سرمایه‌گذاری و کاهش تاب‌آوری بخش مولد کشور است

هزینه‌های تولید، دشواری دسترسی به منابع مالی و تردید فعالان اقتصادی نسبت به آینده، هنگامی که بنگاه با بخشی اندک از توان خود کار می‌کند، معنای آن فقط کاهش تولید نیست؛ اشتغال، سرمایه‌گذاری، نوسازی و حتی انگیزه ماندن در بازار نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. نتایج استانی این گزارش، در عین حال، وجه دیگری از واقعیت محیط کسب‌وکار را نشان می‌دهد. چهارم‌حال و بختیاری در زمستان ۱۴۰۴ مساعدترین محیط کسب‌وکار کشور را به خود اختصاص داده و پس از آن، البرز و خراسان جنوبی در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. صدرنشینی این استان‌ها بیانگر آن است که کیفیت محیط کسب‌وکار فقط به متغیرهای کلان اقتصادی محدود نمی‌شود و نقش نهادهای محلی، کارآمدی خدمات‌داری، سرعت صدور مجوزها و میزان همکاری دستگاه‌های اجرایی نیز در ارزیابی فعالان اقتصادی اثر جدی دارد. تجربه این استان‌ها یادآور می‌شود که حتی در فضایی آکنده از نااطمینانی‌های ملی، هنوز می‌توان با بهبود حکمرانی محلی، بخشی از موانع را کاهش داد و زمینه فعالیت اقتصادی را اندکی هموارتر ساخت.

کشاورزی در صدر ارزیابی

نتایج این پایش نشان می‌دهد میان بخش‌های اصلی اقتصاد، کشاورزی با ثبت شاخص ۶۰۳ مساعدترین فضای کسب‌وکار را تجربه کرده است؛ جایگاهی که پس از آن به بخش خدمات با شاخص ۶۰۱ می‌رسد و در نهایت، صنعت با شاخص ۱۷۰۶ در نامساعدترین موقعیت قرار می‌گیرد. همین فاصله، هرچند اندک به نظر برسد، حامل معنایی روشن است: همه بخش‌های اقتصادی به یک اندازه از فشارهای محیطی اثر نمی‌پذیرند و شدت آسیب‌پذیری آنها یکسان نیست. در میان رشته‌های فعالیت نیز حوزه‌های حرفه‌ای، علمی و فنی، هنر، سرگرمی و تفریح و همچنین بخش مالی و بیمه، ارزیابی مطلوب‌تری داشته‌اند؛ حال آنکه فعالیت‌های مرتبط با آبرسانی، مدیریت پسماند و فاضلاب، سلامت انسان و مددکاری اجتماعی و نیز سایر خدمات، در زمره نامساعدترین حوزه‌ها قرار گرفته‌اند. این‌ها همگونی نشان می‌دهد کیفیت محیط کسب‌وکار فقط محصول متغیرهای کلان نیست، بلکه به ساختار هر فعالیت، میزان وابستگی آن به سرمایه در گردش، مواد اولیه، مجوزها، زیرساخت‌ها و منابع مالی نیز بستگی دارد. هرچه یک بخش به این مؤلفه‌ها وابسته‌تر باشد، طبعاً در برابر نوسان‌های اقتصادی، محدودیت‌های اعتباری و اختلال‌های محیطی آسیب‌پذیرتر خواهد بود و با هزینه بیشتری مسیر بقا را طی خواهد کرد.

هشدار برای آینده اقتصاد

جمع‌بندی این گزارش، بیش از هر چیز، استمرار نااطمینانی را به‌عنوان مسئله محوری فضای اقتصادی کشور برجسته می‌کند. فعالان اقتصادی خواستار ثبات در متغیرهای کلان، امکان پیش‌بینی‌پذیری بازار، دسترسی آسان‌تر به منابع مالی و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی‌اند؛ خواسته‌هایی که در ظاهر ساده، اما در عمل بنیان هر تصمیم‌اقتصادی به‌شمار می‌روند. هنگامی که بنگاه نتواند تصویری روشن از مسیر قیمت‌ها، هزینه‌ها و شرایط آینده فعالیت خود داشته باشد، سرمایه‌گذاری جدید به تعویق می‌افتد و توسعه با احتیاط و کندی پیش می‌رود.



در یافت تسهیلات را فرایندی زمان‌بر، پرهزینه و پیچیده توصیف می‌کنند؛ فرایندی که در کنار محدودیت منابع بانکی و افزایش هزینه سرمایه در گردش، فشار مضاعفی بر فعالیت اقتصادی وارد می‌سازد. برای واحدی که هم با نوسان قیمت روبه‌روست و هم برای تأمین نقدینگی راهی دشوار پیش رو دارد، تداوم تولید بیش از آنکه تابع برنامه‌ریزی باشد، به تاب‌آوری روزمره وابسته می‌شود.

نکته معنادار دیگر، قرار گرفتن محدودیت دسترسی به اینترنت و شبکه تلفن همراه در میان سه مانع اصلی محیط کسب‌وکار است؛ رویدادی که اهمیت فزاینده زیرساخت‌های دیجیتال در حیات اقتصادی امروز را آشکار می‌کند. فروش، بازاریابی، خدمات مالی، حمل‌ونقل، تجارت الکترونیک و ارتباط با مشتری، همگی به کیفیت این بسترها وابسته‌اند. گزارش همچنین نشان می‌دهد محیط حقوقی و قانونی با امتیاز ۵۷۴ مساعدترین بخش و محیط اقتصادی با امتیاز ۸۰۳ نامساعدترین بخش ارزیابی شده است؛ تفاوتی گویا که ریشه دشواری‌ها را بیش از هر چیز در اقتصاد کلان، بی‌ثباتی بازار و نااطمینانی فراگیر جست‌وجوی کند.

افت ظرفیت تولیدی بنگاه‌ها

یکی دیگر از نشانه‌های نگران‌کننده این گزارش، کاهش ظرفیت واقعی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است؛ نشانه‌ای که بیش از بسیاری از ارقام، حال عمومی تولید را آشکار می‌کند. بر پایه داده‌های منتشرشده، بنگاه‌های کشور در زمستان ۱۴۰۴ به طور متوسط تنها با ۳۴ درصد ظرفیت واقعی خود فعالیت کرده‌اند؛ رقمی که نه تنها نسبت به فصل پیش کاهش یافته، بلکه پایین‌ترین سطح ثبت‌شده در پنج دوره اخیر اجرای این پایش نیز به‌شمار می‌رود. چنین کاهش‌ی معمولاً فقط یک عدد نیست، بلکه بازتاب مجموعه‌ای از فشارهای همزمان است: افت تقاضا، افزایش

صعود شاخص نااطمینانی

شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران در زمستان ۱۴۰۴ به عدد ۶۰۳ از ۱۰ رسیده؛ رقمی که در مقایسه با پاییز همان سال و نیز زمستان سال قبل، تصویری نامساعدتر از فضای فعالیت اقتصادی ترسیم می‌کند. این شاخص در پاییز ۱۴۰۴ برابر با ۶۰۱۳ و در زمستان ۱۴۰۳ معادل ۶۰۱ بود؛ بنابراین ارزیابی فعالان اقتصادی نشان می‌دهد محیط کسب‌وکار کشور نسبت به فصل قبل بیش از سه درصد و نسبت به دوره مشابه سال گذشته بیش از پنج درصد نامناسب‌تر شده است. همین تغییر، در ظاهر شاید اندک به نظر برسد، اما در منطق بنگاه‌داری، نشانه‌ای روشن از تشدید نااطمینانی و فرسایش امکان تصمیم‌گیری اقتصادی است.

کانون اصلی این دشواری، همچنان در بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری متغیرهای اقتصادی قرار دارد. فعالان کسب‌وکار، تغییرات مداوم بهای مواد اولیه و محصولات را مهم‌ترین مانع پیش روی خود دانسته‌اند؛ مانعی که عملاً افق برنامه‌ریزی را کوتاه می‌کند و توان بنگاه را برای قیمت‌گذاری، برآورد هزینه، تنظیم قرارداد و طراحی مسیر توسعه کاهش می‌دهد. هنگامی که تولیدکننده نتواند حتی چند ماه آینده بازار خود را با اطمینان نسبی بسنجد، تصمیم اقتصادی نیز ناگزیر محتاط، محدود و گاه متوقف می‌شود. چنین فضایی، نه فقط سودآوری بنگاه، بلکه پایداری اشتغال و ظرفیت سرمایه‌گذاری را نیز زیر فشار قرار می‌دهد.

فشار مالی و ارتباطی

دومین مانع مهم در این گزارش، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری است؛ مسئله‌ای که با وجود تکرار وعده‌های حمایتی، همچنان به‌عنوان یکی از گره‌های اصلی تولید باقی مانده است. بسیاری از بنگاه‌ها،

زمستان ۱۴۰۴ برای اقتصاد ایران فقط یک فصل تقویمی نبود؛ مقطعی بود که بسیاری از فعالان اقتصادی، در میانه فشار تورم مزمن، نوسان‌های فرساینده بازار، تنگنای مالی و کاهش امکان پیش‌بینی، بار دیگر با این پرسش روبه‌رو شدند که آیا می‌توان در چنین فضایی با اطمینان برنامه‌ریزی کرد، سرمایه‌گذاری را پیش برد و به تداوم تولید دل بست. محیط کسب‌وکار در چنین وضعیتی صرفاً یک مفهوم آماری یا اداری نیست، بلکه صحنه واقعی تصمیم‌گیری بنگاه‌ها، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران است؛ همان بستری که کیفیت آن می‌تواند موتور اشتغال و تولید را روان‌تر کند یا برعکس، به عاملی برای تعویق تصمیم‌ها، افزایش هزینه‌ها و فرسایش امید اقتصادی بدل شود. اهمیت این مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم هر تغییر در این محیط، مستقیماً بر سرعت رشد اقتصادی و توان تاب‌آوری بخش مولد کشور اثر می‌گذارد.

تازه‌ترین گزارش پایش ملی محیط کسب‌وکار کشور که از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران منتشر شده، تلاشی است برای خواندن همین تصویر پیچیده با اتکا به داده‌های میدانی و آماری. سی‌وهشتمین دوره این پایش با بررسی دیدگاه‌های چهار هزار و ۸۹۷ بنگاه اقتصادی در ۳۱ استان، تصویری نسبتاً جامع از حال و هوای فعالیت اقتصادی در کشور به دست می‌دهد؛ تصویری که در آن سه مانع بیش از همه خودنمایی می‌کند: غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات بهای مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی از بانک‌ها و محدودیت دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت. همین سه نشانه، به‌تنهایی روایتگر اقتصادی‌اند که بنگاه در آن، همزمان با بی‌ثباتی قیمت، کمبود منابع و اختلال در زیرساخت‌های ارتباطی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

ترمیم صنعت با جهش ظرفیت

وزارت صمت، بازسازی صنایع آسیب‌دیده و افزایش تولید فولاد و پتروشیمی را در اولویت قرار داد

بخش صنعت در پی خسارت‌های ناشی از جنگ تحمیلی سوم، اکنون در نقطه‌ای ایستاده که همزمان به ترمیم فوری، حفظ پیوستگی تولید و بازاریابی ظرفیت‌های راهبردی نیاز دارد. وزیر صنعت، معدن و تجارت با تشریح ابعاد آسیب‌های وارد شده به واحدهای صنعتی، از اولویت وزارتخانه برای افزایش ظرفیت تولید در صنایع فولادی و پتروشیمی، بازسازی واحدهای آسیب‌دیده و جلوگیری از اختلال در فعالیت بنگاه‌های اقتصادی خبر داده است؛ اولویتی که در شرایط ناپایدار بازار، اهمیتی فراتر از مدیریت روزمره تولید پیدا می‌کند. روایت ارائه‌شده از سوی وزارت صمت نشان می‌دهد مسئله فقط جبران خسارت چند واحد مشخص نیست، بلکه حفظ زن‌چیره تأمین، جلوگیری از سرایت توقف تولید به صنایع پایین‌دستی و صیانت از ثبات بازار، در کانون تصمیم‌گیری قرار گرفته است.

مدیریت تولید

سیدمحمد اتابک با اشاره به تغییر الگوی مصرف در پی جابه‌جایی گسترده

جمعیت و افزایش ناگهانی تقاضا برای برخی کالاها، تأکید کرده است که مدیریت بازار در چنین وضعیتی بدون هماهنگی فشرده با تولیدکنندگان ممکن نبود. به گفته او، در بعضی بخش‌ها تولیدکنندگان با فعالیت سه‌شیفته توانستند میزان تولید را تا حدود سه تا سه‌وونیم برابر افزایش دهند؛ اقدامی که نقش تعیین‌کننده‌ای در جلوگیری از کمبود کالا و حفظ آرامش نسبی بازار داشت. وزیر صمت همچنین از تلاش پیوسته اصناف و تولیدکنندگان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تأمین کالا در این دوره یاد کرده و ابراز امیدواری کرده است که با تداوم همین مسیر، روند بازسازی صنایع و تثبیت بازار با شتاب بیشتری دنبال شود. این موضع‌گیری نشان می‌دهد سیاست‌گذار صنعتی در مقطع کنونی، افزایش ظرفیت موجود را به‌عنوان ابزار نخست مهار فشارهای ناشی از کاهش عرضه برگزیده است.

بازسازی زن‌چیره

وزیر صمت با بیان اینکه سه هزار و سه واحد صنعتی در کشور دچار خسارت